

مطلب یکصد و هفتاد و ششم _ فوق ادراک سامع تکلم نکنید

قوله تعالی: " اگر نفوس مقبله بنصایح الهیه و اعمال منزله عامل و فائز میشدند البته جمیع بریه در بریه انقطاع بعد از ارتفاع ندا لبیک اللهم لبیک ناطق میگشتند ان الانسان يتكبر ببردیه و يتجاوز باصغریه الا من شاء الله اگر گفتار معتدل بود و بکردار مطابق البته سبب نجات عالم و حفظ امم میشد در یک مقام از قلم اعلی نازل که باید بیان بطبیعت لبین مادری و شفقت پدری مزین باشد تا اطفال دنیا بآن تربیت شوند و ببلوغ فائز گردند اگر شخص متکلم فوق ادراک سامع تکلم نماید از عدل خارج شده ... یا مبلغی قد خرجت من السجن الاعظم و جعلنا الرضوان مقر العرش ثم هذا القصر الرفیع قد قضی الله ما انزله فی اول وروده فی ارض السجن و وفی بما وعد فی الكتاب انه لهو الموفی الخبیر قد تشرف البر بقدم البحر الاعظم تعالی الله الملك العزیز العلیم ... ان الورقة تنبت من السدره و تتمسک بها و تتحرك علیها و تتبسم من هزیزها و تجذب القلوب من اطوارها کل ذلك تشاهد فی البکور و فی العشی تراها ساقطة مصفرة علی وجه الارض ان ربک لهو المبین العزیز الحمید لعمرک ما یفرح به اعلی العباد قد کان معدوما عند الذین توجهوا الی الوجه لانهم ما یرون شیئا الا و قد یرون فنائها و قضاء الله قائما علیها ان ربک لهو العالم الحکیم .. خلق بسیار محتجب بوده و هستند بمعارج شهود واقف نشده اند و بمرات عرفان فائز نگشته اند هنوز رشعی از بیانات را درک ننموده اند همین ادعای بابیت حضرت اعلی روح ما سویه فداه مدل و مظهر شئون ناس بوده و هست در یک مقام بابیت مخصوصه را هم از خود نفی فرموده اند چه که کل در وادی ظنون و اوهام واقف و قادر بر ادراک اشراقات آفتاب یقین نه الا من شاء الله در هر بیان که از مشرق اراده رحمن ظاهر اکثری در ذکر بعضی از نفوس قبل بوده و اگر خلق مستعد بودند جز ذکر آفتاب حقیقی و سماء معنوی از لسان و قلم آنحضرت جاری نمیشد .. بلی رضیع را لحم مضر است سبحان من یعطی کل ذی حق حقه ... ما بین این مردم و این نفوس شخص انسانی باید در کل احوال به " لا کل ما یعلم یقال " متمسک باشد .. "